

تاریخ تمدن اسلامی

کوفه و بصره و پیشرفت تمدن
با اینکه مسلمانان در شهر های
اسکندریه و شهرهای سوریه با
تمدن یونانی آشنائی پیدا کرده
بودند ولی باین کار قناعت نکرده
در سواحل رود دجله و فرات
مراکز تمدن و کانونهای علم
مانند بصره و کوفه بوجود آوردند

این شهرها در زمان خلافت عمر با نقشه مخصوصی
بنا شده و برای هر قبیله ای محله مخصوص
اختصاص داده شد و مسجد و میدان و عمارت
والی نشین در آن بنا گردید ولی بعداً شهر بصره
بجای دیگر تغییر مکان داده شد و شهر قدیمی
بکلی از اهمیت افتاد.

شهر کوفه نیز پس از سالیانی چند مخروبه
شد ولی مسجد آن هنوز با برجاست و تنها این
قسمت از شهر باقیست و نیز درباره شهر واسط
بنا کرده بنی امیه در ساحل یکی از شعب دجله
تحقیقات بعمل نیامده است. این شهرها با وجود
اینکه پس از دوره بنی امیه اهمیت خود را از
دست دادند ولی تأمدت زیادی اهمیت مدنی و
تجارتی خود را نگاه داشته بودند.

ابتدای علوم اسلامی

شهر های کوفه و بصره بشکل مرکز فعال

زندگی علمی در آمدند. در قرن هشتم شهر دیگری که بتواند رقیب این دوشهر باشد وجود نداشت. در این شهرها دستور زبان (صرف و نحو) در هر دو شهر بوجود آمد و مابین علمای کوفه و عسای بصره رقابت و مجادلات و مباحثات علمی بوقوع پیوست و نامدتی دوام داشت ولی بنانی اصلی این علوم عربیه را نه تنها اعراب بلکه ایرانیها و ملل غیر عرب که بدین اسلام گرویده بودند پی ریزی کردند. یکی از رؤسای بزرگ مدرسه بصریون خلیل بن احمد از اهالی خراسان است که قاموس بزرگ زبان عربی را نوشته و ترتیب داده است و این قاموس تأثیر زبان یونانی را هم بر عربی نشان میدهد. تصنیف علوم بدین ترتیب میباشد؛ فلسفه که بدو قسمت مهم تقسیم میگردد: نظری و علمی، بعضی منطق را نیز جزو علوم نظری می‌شمارند و برخی قسمت جداگانه برای آن قائل میشوند، دسته سوم منطق را بنام آلت فلسفه میخوانند. فلسفه نظری نیز بسده قسمت مهم تقسیم میگردد: الهیات طبیعیات، ریاضیات که شامل علوم حساب و هندسه و هئیت و موسیقی است و در قرون وسطی این تقسیمات بنام ارکان علوم اربعه خوانده میشود. بنای بغداد مرکز خلافت عباسیان: در زمان خلافت منصور عباسی و بامر این خلیفه در کنار رود دجله نزدیک خرابه های تیسفون (مدائن) پایتخت شاهنشاهان ساسانی بنای شهر بغداد طرح و پی ریزی شد و از مصالح شهر قدیمی مداین این شهر آباد و مرکز تجارته و سیاسی دنیای اسلام آن زمان گردید. هر چند این شهر از شام (دمشق) بزرگتر و معظم تر بوده ولی باوجود این بامر کردولتی امروزی قابل قیاس نمیباشد، طول قطر دایره ای که پایتخت در درون آن بنا شده بود کمی کمتر از دو بیست و رست روسی بوده است. روایت بنای شهر بغداد و تغییر شکل بزرگ زندگی حکمداران اسلامی بعد از حضرت رسول اکرم و خلفای راشدین نشان میدهد که این ترتیب در دوره خلافت خلفای بعدی نیز بترتیب فوق ادامه داشته است. قوت گرفتن کار ارباب قلم و از دیاد دو اوین و اقتدار

وزرای اداره کنندگان دو اوین از نیمه دوم قرن یازدهم شروع میشود. در همان اوقات خلفان نیز خود را با لشکریان غیر عرب محافظه میکردند افراد این سپاهی عبارت بودند از ایرانیها و ترکها که با ثروت و زر خریداری شده بودند. از وزراء و سران سپاه شخص دیگری بار تبه و نام قاضی القضاة نیز وجود داشت که کارهای محاکمات و دعاوی را عهده دار بوده است.

مأموران ارشد و حقوق آنان: در دوره خلافت منصور عباسی بکارمندان دولتی حتی مأموران درجه اول نیز حقوق کمتر از حقوق دوره بنی امیه تأدییه میشد.

مثلاً قاضی القضاة ماهی سیصد درهم یعنی ۷۵ لیره انگلیسی دریافت میکرد ولی در زمان خلافت مأمون حقوق ازدیاد پیدا کرد که این حقه ق نه تنها نسبت بقرون وسطی بلکه نسبت به حقوق اعصار معاصر (امروزی) نیز بی اندازه بیشتر بود.

قاضی القضاة دوره مأمون در مصر ماهی ۴۰۰۰ درهم یعنی هشتاد لیره انگلیسی دریافت میداشت. در قرن دهم میلادی حقوق وزیر بغداد به هفت هزار دینار یعنی ۲۵۰۰ لیره انگلیسی و حقوق قاضی القضاة به پانصد دینار بالغ میشده است.

بطور کلی در قرن دهم میلادی که اراضی خلافت رفته رفته کوچکتر میشد حقوق مأموران و مخارج قصر سلطنتی نسبت بدوره هارون الرشید بمراتب زیاد بود بنابراین چنانکه مفهوم میگردد حکمداران مشرق بزندگانی اجتماعی محیط خارج خود چندان تأثیری نگرده اند.

اشخاصی که با مشرق تماس نزدیک نداشته اند از شنیدن کلمه بغداد، هرون الرشید و قصر سلطنتی افسانه اوراد خیال خویش مجسم میکنند و حال آنکه بعد از دوره هرون از بغداد قرن نهم و دهم که خلفا شوکت خود را از دست داده بودند دیگر آن رونق و جلال هم باقی نماند.

همچنین روایات راجع به فرمان صادره در زمان منصور و مأمون برای پیدا کردن و ترجمه نمودن کتب فلسفی و علمی یونانی به عربی نیز مثل موضوع قبلی خطا میباشد.

با اینکه تا حال بخوبی واضح نیست ولی وجود روابط بین انتشار علوم در دوره اسلامی و انتشار آن در قلمرو دولت ساسانی پیش از اسلام تردیدی نیست.

زندگانی علمی و کار ترجمه :- در دربار منصور و مأمون علمای ایرانی را می بینیم و غیر از ایشان چند عالم یهودی نیز دیده شده است.

کتب علمی نه تنها از زبان سریانی به عربی ترجمه میشد بلکه ترجمه کتابهایی بزبان پهلوی فارسی پیش از اسلام نیز دیده میشود.

جدولهای علم هیئت را به کلمه (زیج) نامگذاری نموده اند که ریشه فارسی دارد.

چون اعراب علوم یونانی را با واسطه اخذ میکردند شعراء، علماء مورخین یونانی را بخوبی نمیشناختند و از این رو بتاریخ فلسفه و علوم یونانی احاطه کاملی نداشتند و بعقیده ایشان تاریخ یونان از فیلیپ مقدونی شروع میشد و از زندگانی شخصی فیلسف و علمای یونانی معلومات کمی در دست داشتند حتی متخصصین را نیز عقیده بر این بود که سقراط با مر یکی از حکمداران یونانی کشته شده است و چون آثار بعضی از علمای یونانی را در زبان پهلوی در دست داشتند ایشان را نیز ایرانی می پنداشتند.

پیشرفت علوم و علمای اسلامی : - خواه در دوره ساسانی و خواه در زمان اسلام گذشته از علوم یونانی علوم هندی نیز در ایران تأثیر مهمی داشته این تأثیر چنانکه معلوم میگردد گاهی مستقیماً و گاهی نیز از راه یونان بوقوع پیوسته است.

تأثیرات راه یونانی در علوم نجوم و هیئت و تأثیرات مستقیم در علوم حساب و جبر دیده میشود .

ارقام هندسی امروزی که در اروپا با اسم ارقام عربی Chiffres - Arabes مشهورند و از راه ایران و مصر با اروپا آمده‌اند از اختراع علمای هندوستان است .

باستان‌شنای عالم مشهور دیوفان Diofan که در قرن چهارم میلادی در اسکندریه میزیسته علوم و جبر بر حساب در یونان چندان ترقی نکرده بود در صورتیکه این علوم در هندوستان بخوبی انکشاف یافته بود .

اروپائیان بتوسط اعراب بدین علوم آشنا شده و اسم عربی آن (الجبر) را قبول کردند .

گذشته از این علم طب هندی نیز در یونان تأثیر مهم دارد که وجود اصطلاحات هندی در تألیفات دیوسکورس پزشک یونانی قرن یکم قبل از میلاد دلیل واضحی بر این قضیه میباشد از طرف دیگر اهالی هند با اطباء با کتربا استادی میکردند . بعضی را عقیده بر این است که علوم یونانی به صنعت جراحی هندی که بعدها از رواج افتاد تأثیری داشته است .

در قرن دهم و یازدهم میلادی بزرگترین جای پیشرفت علوم حوزه دجله و فرات بوده و در این قسمت نیز مهترین مرکز علم و تمدن بصره، حران و بغداد بود .

عالم مشهور عرب جاحظ و فیلسوف مستقل الفکر عرب الکندی متوفی بسال ۸۶۹ میلادی بدین شهر منسوب هستند .

در قرن دهم میلادی جمعیت اخوان الصفا که اعضای آن دارای افکار آزاد بود در این قسمت بظهور پیوست .

اعضای این جمعیت شبیه ماسون‌های امروزی بوده و پنجاه و یک رساله مهم درباره آزادی افکار بوجود آورده‌اند که در میان مردم بی اندازه مورد پسند واقع گردیده است.

در اوایل قرن دهم میلادی یکی از علمای اندلس تألیفات این جمعیت را با اسپانیا برده و در اوایل قرن چهاردهم این تألیفات برای یکی از وزرای تیموری بفارسی ترجمه شده است.

شهرهای بغداد و بصره و حران از قسمتهای مختلف عالم اسلامی مخصوصاً ایران و آسیای مرکزی علما و ادبا را جلب مینمودند.

هیئت شناس مشهور ابو معشر که معترض الکندی بود اصلاً از شهر بلخ بوده و هکذا شاگرد معروف الکندی ابو زید نیز از آن شهر بود، پیش از آن نیز ابن موسی الخوارزمی در بغداد میزیسته اصل و تبار این عالم از خوارزم جزو جمهوری امروزی خیوه بوده و هم اوست که در علوم جبر و حساب تألیفات مهم بوجود آورده است و نوشته‌هایش در اروپا تا دوره پیش از رنسانس تنها سر مشق علما بوده (نظم انگاریتم تحریفی از این کلمه مییاشد).

در این دوره هیئت شناس مشهور دیگری هم بنام احمد الفرغانی میزیسته که اصلاً از شهر فرغانه واقع در سرحدات شرقی عالم اسلامی بود و فیلسوف معروف ابو نصر فارابی از قسمت ترکستان بظهور رسیده‌اند که این آخری اصلاً ترک بوده و در بغداد تحصیل علوم نموده و در سال ۹۵۰ میلادی در شام وفات یافته است.

در میان این علما عالم مشهور هیئت شناس دیگر بنام البطانی در حران میزیسته و بسال ۹۲۹ وفات نموده است.

اولین معلومات راجع بعلم مثلثات در اروپا باین عالم بستگی

دارد.

در هند و یونان مثلثات جزوهیئت بوده و تنها در قرن سیزدهم میلادی در شرق بشکل علم مستقلی تشکیل گردیده است.

عدم وقوف اعراب بعلوم زبانی و تاریخی یونانی در کارهای فلسفی و علمی ایشان بی تأثیر نبوده علمای عرب نمیتوانستند آثار حقیقی فلاسفه یونانی را از آثار جعلی منسوب بدیشان تفریق کنند.

چنانکه اسامی دو عالم یونانی پلاتون Platon و پلاتین Platin را که در دو قرن مختلف زیست میکردند و دارای نامهای مشابه بهم بودند بایکدیگر مخلوط میکردند.

فرق میان افکار افلاطون و انکشاف فلسفه افلاطونی جدید و افکار ارسطو بخوبی واضح نبود.

از آن میان اثر دین شناسی پلاتین که در قرن سوم میلادی میزیسته بارسطو نسبت داده شده است.

این عقاید غیر صحیح اعراب در فروع وسطی از راه مترجمین یهودی بارو پانیز داخل شد ولی پس از ارتباط مستقیم اروپائیان با منابع یونانی معلوم شد که علوم دین شناسی (تئولوژی) و تصوف (فلسفه میتیک) اعراب با فلسفه حقیقی ارسطو شباهتی جزئی دارد.

فلاسفه اعراب مانند اسکولاستیک های کاتولیکی سعی کرده اند که علوم فلسفی یونانی را با عقاید اسلام مربوط سازند.

از این رومورخین فلسفی این اصطلاح یعنی اسکولاستیک را در حق فلاسفه اعراب نیز شامل میدانند.

روابط بین قسمتهای مختلف : روابط محکم میان قسمتهای

عالم اسلامی و علمای جغرافی مختلف عالم اسلامی کمک بزرگی

به انتشار آثار تمدن کرده است.

اولین منبع تاریخی و اثر مهم قرن دهم تألیف مورخ مشهور طبری

در مدت همان قرن از شرق تا غرب عالم اسلامی بزودی انتشار یافت. در شهر قرطبه، واقع در اندلس بدین اثر بعضی ملاحظات افزوده و برای حکم ثانی (۹۶۱-۹۷۶ میلادی) تاریخ افریقا و اندلس بوجود آوردند و در بخارا برای امیر منصور اول پادشاه سامانی آن را بفارسی ترجمه و خلاصه کرده از جدید دیگری بوجود آوردند.

علوم جغرافیائی عرب نیز نمونه‌ای از این روابط مدنی مابین قسطنطنیه و مختلف عالم اسلامی در قرن دهم و یازدهم می‌باشد.

نقشه‌های جغرافیائی که مورخان خلافت اسلامی و اولین حسابهای هیئت در بغداد در بار خلیفه مأمون بوجود آمده است.

جغرافیای ابوزید بلخی شاگرد الکندی که در قرن دهم زیست می‌کردند بعد از طرف عالم مشهور اصطخری و سپس از طرف تاجر افریقای شمالی بنام ابن حوقل تجدید شده و تألیفات تازه نیز بوجود آمده است.

علمای جغرافیائی عرب در قرن دهم معلومات وسیع شامل تمام ممالک اسلامی از اسپانیا گرفته تا ترکستان و ساحل رود سند و اندلس را در کتب خود مذکور داشته‌اند.

شهرهای بزرگ شرح داده شده و صنایع مشهور هر یک نیز ذکر گردیده و محصولات تمام این سرزمینها بطور واضح و صحیح بیان شده (۱) این علمای جغرافیه به علمای جغرافیای یونان استناد کرده کرده زمین را به هفت اقلیم تقسیم کرده‌اند که چهار اقلیم وسطی مراکز تمدن اسلامی مانند بغداد و اصفهان را شامل می‌شد.

معلوم است که بعقیده متمدنین اسلامی این تمدن عالیترین تمدنی بود که نوع بشر تا آن زمان بدان دسترس داشته بودند (یونان و اروپائیان) (۱) از این جمله محصول پنبه است که بوسیله اعراب بارو

رفته و نام عربی القطن Coton باقی است.

نیز تمدن خود را بهمان چشم میدیدند).

بنا بر نظریه علمای اسلام اقلیم چهارم وسطی دور از مناطق گرم و سرد مناسب‌ترین و بهترین نقاط زمین را برای زندگی انسان و انکشاف تمدن در خور بوده است و بنا بقوانین طبیعی جغرافیائی این مناطق جهت احداث شهرها و سکونت متمدن‌ترین مناسب‌ترین نقاط جهان بود.

پیشرفت تمدن و پیشرفت علمی: - پیشرفت تمدن نیز در انکشاف و پیشرفت علمی مردم بی‌تأثیر نبوده و اعراب فرق زیادی بین افراد عامی و اهل فضل و کمال قائل بودند، کم‌کم در نتیجه پیشرفت تحقیقات علمی مؤلفین نامداری بظهور رسیدند.

در قسمت ادبی نیز غیر از شعرائی که اسلوب قدیم را نگاهداری میکردند شعرای متفکر دیگری هم بوجود آمدند.

اما باینکه زینت ظاهری در ادبیات عربی ترجیح فکر بود ولی باز بطور کلی شعر عربی به ملل دیگر تأثیر شعر فارسی زانداشته است. پیشرفت تمدن اسلامی خواه در اثنای جنگ با نشان دادن بهترین اصول و فنون جنگی و خواه در زمان صلح در تشکیلات اداری و دولتی خود ابروز داده است.

وجود معلمین عرب بر لشکر بیزانسی در قرن نهم ذکر می‌گردد که بسبب توجه نکردن به حقوقی که بایشان وعده داده شده بود بیزانس را ترک کرده و پیش بلغارها که هنوز آن زمان مذهب شاهانی داشتند و لشکر ایشان را تربیت و تعلیم کرده سبب اولین فتح و فیروزی ایشان بر لشکر بیزانسی گشته‌اند.

گذشته از این حاجی‌های عیسوی بیت المقدس در قرن نهم میلادی امن بودن مال و جان خود را در ممالک اسلامی نسبت به کشور خویش اقرار و اعتراف کرده‌اند.

با وجود ترقی و پیشرفت علم در کشورهای اسلامی این پیشرفت در تشکیلات اداری و تغییر اوضاع حکومتی چندان تأثیر نکرده است.

فلسفه اسلامی با نظر به‌های افلاطون و ارسطو آشنا بودند و بعضی از ایشان منجمله فارابی کتبی نیز راجع به سیاست و طرز اداره امور مملکت تألیف کرده‌اند و لی این اثر جز از یک شهر مدینه Gite خیالی بیش نبوده و از زندگانی حقیقی اجتماعی دور می‌بود.

برای نشان دادن افکار فارابی راجع به طرز اداره کشوری ذکر جملات ذیل کافی است. بنا بنظر یه‌او: (اگر کسی تمام اوصاف لازم به حکومت را دارا باشد بایستی حکومت را بدست او داد و اگر چنین کس پیدا نگردد بدست مجلس باید داد زیرا اوصافی که شخص تنهایی نمیتواند تمامی آنرا دارا باشد در افراد مجلس میتواند موجود باشد).

بنای شهر سامره :- در میدان‌های شهر بزرگ و متمدن مانند ازمنه گذشته مجازات‌های شدید بعمل می‌آمد و افکار عمومی نیز چنانکه تا اوایل قرن نوزدهم در اروپا دیده میشد بدین کار موافقت مینمود.

مردم شورش دوست شهرهای بزرگ چندان محل اعتماد حکمداران نبودند. خلیفه هارون الرشید با وجود روایت‌های کتاب الف لیل و لیل (هزار و یکشب) نادراً در بغداد اقامت میکرد.

پس او معتصم و خلفای بعدی در ساحل فرات در فاصله سه روز راه بی‌بغداد مرکز حکومت تازه دیگری بنام سامره بنا کرده بودند.

پیش از بنای شهر در جای آن کلیسای کوچک عیسوی وجود داشت که این کلیسارا برای بنای شهر از متولیان آن خریدند دلیل مهم به پیشرفت و کسب اهمیت سامره در مدت قلیل کوتاه بودن فاصله عرض آنست نسبت بطول دراز پانزده کیلومتری آن در ساحل دجله.

در دوره خلافت معتصم و جانشین او الواثق بالله بناهای زیادی باین شهر علاوه شد .

خرابه‌های قصر معتصم و مسجدیکه بنا کرده هنوز پسا برجاست بنای مقبره جهت خلفاء اولین دفعه در شهر سامره معمول گردید تا آن زمان خلفاء نیز مثل پیغمبران بدون هیچگونه مراسم در جائیکه فوت میکردند دفن میشدند و از این دوره بعد به محل خلفاء و مکان آنان اهمیت داده شد و جنازه خلیفه المعتمد بالله که در اواخر خلافت خویش بغداد را مرکز قرار داده بود پس از وفات به سامره نقل و در آنجا بخاک سپرده شده است .

پس از قرن نهم میلادی سامره دیگر نتوانست اهمیت اولی خود را نگاه دارد ولی با اینکه قسمت بنای المنصور بکلی از بین رفته اما هنوز خرابه‌های قصورالمعتصم باقی است .

در قرن دهم خلفا مجدداً مرکز حکمرانی را ببغداد منتقل نمودند و زندگیشان دوباره در این شهر شروع شد .

در این هنگام بغداد بی اندازه بزرگ شده کسب اهمیت کرده بود در ساحل غربی دجله ۴۳۷۵ و در ساحل شرقی آن ۲۹۱۶ دستین مربع (روسی) اراضی را شامل میشد که نصف این اراضی را در ساحل شرقی قصور خلفا و سرباز خانها تشکیل میدادند .

با اینکه در داخل این قسمت مسجد جامع بزرگی که هر کس توانستی داخل آن شود واقع بود ولی باز ساختمانهای خلفاء و امراء و سرباز خانها حریم ممنوعه آن را تشکیل میدادند .

در قرن دوازدهم یازدهم باب مسجد جامع بزرگ یعنی مساجدیکه در آنجا نماز جمعه ادا میشد در بغداد وجود داشت که هشت باب

آن در قسمت شرقی و تنها سه باب آن در قسمت غربی شهر واقع شده بود .

این دوشهر یعنی بغداد و سامره پیس از کوچك شدن اراضی خلافت بخانواده های سلطنتی كسه از بخارا تا قرطبه تشكيل ميشدند نمونه و سرمشق گردیدند از برای نشان دادن سربلندی و زوال اقوام و حكومت های جهان و عبرتی جهت آیندگان و هوسبازان .

مسائل مالیاتی در دولت : با وجود پیشرفت زندگی شهری

اسلامی در کشور های خلافت اسلامی باز

از روی اساس منظمی مالیات محصولات اراضی اخذ ميشد .

خواه علم حقوق اسلامی و خواه افکار عمومی اخذ مالیات از محصولات صنعتی و تجارتي را مانع بود ولی باز این قسم مالیات نیز از هر طرف گرفته ميشد كلمهٔ تاريف 'Tarif' بمعنی این نوع مالیات در زبانهای اروپائی بخصوص روسی تحریفی از كلمه (تعریف یا تعارف) عربی است که دلیل تأثیر رسوم اسلامی در رسوم مالیاتی اروپائی است .

حکومت دورهٔ خلفاء مطابق قانون و بسقتضای شریعت اسلامی نظام واحدی را در تمام نقاط مستملکه تطبیق نکرد چنانکه اخذ مالیات در مصر مانند دوره های پیشین معمول بود و سبب برقراری این روش در آنجا همانا موجود بودن اراضی در دست دولت بود و کسی نمیتوانست از ترك کردن برزگران و رفتن ایشان با اراضی دیگر ممانعتی بعمل آورد .

مالکان اراضی بدون هیچگونه معارضی میتوانستند املاك خود

را از برزگران گرفته و بکشاورزانی که بیشتر سود میدادند واگذار نمایند .

ممالک ارضی و مالکیت - در ممالک اسلامی نیز بخشیدن و پیشکشی کردن اراضی کم کم معمول گردید و رفتن و رفتن این عادت و رسوم شیوع یافت و قوت گرفت اما اینکار مانند رسم و عادت جاری در اروپا در قرون وسطی و در روسیه در سالهای اخیر نبود که اراضی را با ساکنین آن بتوانند ببخشند و بدهند و ساکنین آن آزاد و فعال مایشاء بودند .

تغییر اوضاع اجتماعی در ایران : در ممالک ایران و **ترکستان** و **ترکستان شریعت اسلامی**

طبقه بندی مردم و مالکیت زمین های خیلی بزرگ را از بین برداشت و این اوضاع در ارمنستان نیز به وقوع پیوست .

اما در جاهیکه زبان عربی عمومیت پیدا کرده بود از بین النهرین تا اسپانیا فعالیت مدنی اوضاع اجتماعی را چندان تغییر نداد ، با وجود بزرگی بودن شهر ها عده شان زیاد نبود .

روابط زارعین با دولت بشکل اول باقی مانده ، بستگی ایشان بملوک الطوائفی در دوره اسلامی نیز بشکل پیشین نبود . ولی این ملوک الطوائف نه باندازه ای که پیش از اسلام در ایران وجود داشتند حائز اهمیت بودند و با احتمال زیادی تأثیر قسمت های عرب بتمدن دنیا نسبت به ایران که کمتر از ایران مورد حمله اقوام غارتگر دیگر شده بودند از روی همین اساس میباشد .

خلفای فاطمی و تمدن اسلامی : در سالهای چهارم قرن دهم **در مصر** میلادی اراضی حکومت

خلفای عباسی وسعت کافی نداشت .

در ایران و بغداد که اول زیر سلطه حکومت خانواده های سلطنتی ایران و بعد در تحت تسلط سلسله های ترک قرار گرفته بودند دوره هرج و مرج و اغتشاش شروع میگردد .

فقدان اعتبار بغداد را میتوان پیش از قرن نهم دانست ، همزمان با این وقایع تعادلی را که خلفای فاطمی در مصر اتخاذ و روش متینی را که با دستورات شارع اسلام در پیش گرفته بودند موجبات سر بلندی آنان را فراهم و رونق و شکوه شایسان توجهی نصیب مردم مصر و حکمرانان آن سرزمین شد و کم کم دامنه این تجلیات به سایر نقاط گسترش یافت .

داعیان خلافت فاطمی ارج و منزات بسیاری در بین جامعه اسلامی پیدا نموده و حوزه خلافت فاطمی مرکز تجمع دانشمندان و اهل رزم واقع شد اقتدار زیادی کسب کرده و سرزمینهایی را که تا آن زمان نگشوده بودند متصرف شدند .

باشاعه سنن اسلامی باروش متین تری پرداختند و سرداران رشیدی ازخاندان ایوبی مانند صلاح الدین ایوبی و بارانش نه تنها عظمت خاصی برای تمدن اسلامی بدست آوردند بلکه بواسطه وقوع جنگهای صلیبی که بین مسلمانان و عیسویان رخ داد موجبات اشاعه علوم اسلامی و فنون رزمی بین اروپائیان شدند که هنوز هم اثرات آن باقی و سبب پیشرفت تمدن عالم مسیحیت گردیدند .

(پایان)

پیشگامان تمدن اسلامی
پرتال جامع علوم انسانی